

## بررسی آموزش مبتنی بر برنامه ریزی چندبعدی و آموزش های مرسوم بر خلاقیت دانش آموزان

فریده رحمانی<sup>۱</sup>، زهرا سلامه زاده زواره<sup>۲</sup>، گیتا آرامی خیرآبادی<sup>۳</sup>، عصمت صالحی ریزی<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشگاه آزاد تاکستان

<sup>۲</sup> کارشناسی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور آران و بیدگل

<sup>۳</sup> کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، دانشگاه پیام نور تفت

<sup>۴</sup> کارشناسی ارشد علوم تربیتی گرایش برنامه ریزی درسی، دانشگاه پیام نور

---

### چکیده

به فرآیند ذهنی کشف ایده‌ها و مفاهیم، یا آمیزش ایده‌ها و مفاهیم موجود خلاقیت یا آفرینندگی می‌گویند که فرآیند بینش خودآگاه یا ناخودآگاه منجر به تحریک آن می‌شود. یکی از عواملی که در رشد خلاقیت دانش آموزان موثر است، یادگیری انواع مهارت هاست. برنامه ریزی چندبعدی یک برنامه ریزی کل نگر است که به تمامی ابعاد وجودی دانش آموزان توجه می‌نماید. پژوهش حاضر با هدف بررسی آموزش مبتنی بر برنامه ریزی چندبعدی و آموزش های مرسوم بر خلاقیت دانش آموزان و به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. یافته های پژوهش حاکی از تأثیر مثبت آموزش بر مبنای برنامه ریزی چند بعدی بر رشد خلاقیت دانش آموزان در مقایسه با سایر روشهای متداول است.

**واژه‌های کلیدی:** برنامه ریزی چندبعدی، خلاقیت، آموزش، دانش آموزان

---

## مقدمه

یکی از عناصر مهم در شتاب بخشیدن به نوآوری های علمی و فناورانه بشر، خلاقیت است. نتایج مطالعات و تحقیقات نشان می دهد که خلاقیت و میزان بهره گیری از تفکر خلاق، نقطه عطف حرکات نو در آینده را تشکیل می دهد. بر این اساس میزان بهره گیری از افراد خلاق در حوزه های علمی پژوهشی و فناوری و گردآوری عواملی است که بتوانند موجبات رشد این افراد را فراهم آورد، یکی از چالش های جدی و قابل پیش بینی بشر در آینده است. قرن بیست و یکم نیازمند انسان هایی است که بتوانند خلاقانه به حل مسایل و مشکلات زندگی بپردازند؛ از این رو خلاقیت به عنوان عنصر اساسی تمامی فرآیندهای آموزشی، اجتماعی، اقتصادی و فناوری است که منجر به تغییر جهت نظام آموزشی از شیوه غیر فعال به سوی برنامه های تربیت تفکر خلاق شده است. (شریفی و همکاران، ۱۳۹۵)

«روبرت جی استرنبرگ» و «لیندا ای اوهارا» در بررسی های خود شش عامل را در خلاقیت افراد مؤثر دانسته اند: (بی نا، ۱۳۹۰)

- ۱- دانش: داشتن دانش پایه ای در زمینه ای محدود و کسب تجربه و تخصص در سالیان متمادی.
- ۲- توانایی عقلانی: توانایی ارائه ایده خلاق از طریق تعریف مجدد و برقراری ارتباطات جدید در مسائل.
- ۳- سبک فکری: افراد خلاق عموماً در مقابل روش ارائه شده از طرف سازمان و مدیریت ارشد، سبک فکری ابداعی را بر می گزینند.

۴- انگیزش: افراد خلاق عموماً برای به فعل در آوردن ایده های خود برانگیخته می شوند.

۵- شخصیت: افراد خلاق عموماً دارای ویژگی های شخصیتی مانند مصر بودن، مقاوم بودن در مقابل فشارهای بیرونی و داخلی و نیز مقاوم بودن در مقابل وسوسه هم رنگ جماعت شدن هستند.

۶- محیط: افراد خلاق عموماً در داخل محیط های حمایتی بیشتر امکان ظهور می یابند.

با توجه به موارد فوق الذکر، یکی از عوامل مهم و تاثیرگذار بر رشد و شکوفایی خلاقیت دانش آموزان، یادگیری مهارت های مختلف است که این امر از طریق برنامه ریزی درسی صحیح برای دانش آموزان امکانپذیر است. از آنجایی که دانش آموزان به عنوان رکن اساسی نظام آموزشی کشور، در دستیابی به اهداف نظام آموزشی نقش و جایگاه ویژه ای دارند، لذا توجه به این قشر از جامعه از همه جنبه ها اعم از سلامتی، شخصیتی، شناختی و کسب مهارت های مختلف از اهمیت ویژه ای برخوردار است. مطلوبترین رویکرد در برنامه ریزی درسی برای دانش آموزان، فراهم کردن زمینه مناسب در طراحی، بکارگیری و ارزیابی محتوا و برنامه های آموزشی و توجه ویژه به پرورش شخصیت دانش آموزان در برنامه ریزی آموزشی است. در جهت کاربرد این رویکرد، می بایست نگاهی همه جانبه به آموزش کودکان و نوجوانان داشته و بین یادگیری فعال و خودجوش با آموزش آزمایشگاهی و پیش طرح ریزی شده ارتباط ایجاد کند (بازرگان، ۱۳۸۷)

## پیشینه تحقیق

در این گفتار به اختصار به بیان مطالعات و تحقیق هایی که در این زمینه انجام گرفته است، می پردازیم:

حسنوند و حسنوندی (۱۳۹۴) در پژوهش خود به بررسی تاثیر آموزش مبتنی بر برنامه ریزی چند بعدی بر بهبود ارتباط کلامی، فعالیتهای کلیشه ای و مهارتهای اجتماعی کودکان اوتیستیک پرداخته اند. تحلیل نتایج، تاثیر معنادار این برنامه و آموزشهای مبتنی بر آن را بر بهبود ارتباطات کلامی و مهارتهای اجتماعی کودکان اوتیستیک و همچنین کاهش رفتارهای

کلیشه ای آنها نشان داد. پیشنهاد برآمده از این پژوهش این است که با توجه به تفاوت معنی دار بین گروههای آزمایش و کنترل، آموزشهای مبتنی بر برنامه ریزی چندبعدی و بسته های یادگیری آن در کنار سایر برنامه های هفتگی دانش آموزان آتیستیک مورد استفاده قرار گیرد.

یافته های پژوهش صفری و همکاران (۱۳۹۴) پیرامون بررسی تأثیر آموزش و پرورش پیش دبستانی بر مبنای برنامه ریزی چند بعدی بر رشد مهارتهای اجتماعی کودکان پیش دبستانی حاکی از تفاوت معنادار بین نمرات گروه آزمایش و کنترل در هر سه مولفه مهارتهای اجتماعی و نشانگری از تأثیر مثبت آموزش و پرورش پیش دبستانی بر مبنای برنامه ریزی چند بعدی بر رشد مهارتهای اجتماعی کودکان در مقایسه با سایر روشهای متداول بود.

مختاری و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیقی به بررسی تأثیر برنامه ریزی چندبعدی بر تقویت مهارت پژوهشگری دانش آموزان پایه ششم ابتدایی شهر تهران پرداخته و نشان دادند که برنامه ریزی چندبعدی نقش بسزایی در تقویت مهارت پژوهشگری دانش آموزان پایه ششم دارد و آن ها در خرده مهارت های پژوهشگری مانند قضاوت، ارزشیابی، کاوشگری و تفکر انتقادی رشد خوبی داشتند و تنها در خرده مهارت انتخاب و تصمیم گیری تغییر چندانی نسبت به پیش آزمون پیدا نکردند.

نتایج پژوهش کریمی و شهری (۱۴۰۱) در بررسی اثربخشی آموزش مبتنی بر برنامه ریزی درسی چند بعدی بر خودکارآمدی تحصیلی و کیفیت زندگی تحصیلی کودکان پیش دبستانی شهر بهشهر نشان داد آموزش مبتنی بر برنامه ریزی درسی چند بعدی بر خودکارآمدی تحصیلی و کیفیت زندگی تحصیلی کودکان پیش دبستانی تأثیر دارد. همچنین نتایج نشان داد آموزش مبتنی بر برنامه ریزی چند بعدی باعث ۸۲/۶ درصد تغییر در نمره های کیفیت زندگی تحصیلی و ۸۶/۹ درصد تغییر نمره های خودکارآمدی کودکان پیش دبستانی گردیده است.

### روش تحقیق

پژوهش حاضر با هدف بررسی آموزش مبتنی بر برنامه ریزی چندبعدی و آموزش های مرسوم بر خلاقیت دانش آموزان به شیوه توصیفی و از نوع تحلیل محتوا انجام شده است و با توجه به روش پژوهش، جامعه آماری پژوهش شامل کلیه اسناد، مدارک و منابع مرتبط با موضوع مورد بررسی می باشد.

### یافته های تحقیق

برنامه ریزی کردن برای رسیدن به اهداف در زمینه های مختلف، یکی از مهم ترین و کاربردی ترین فعالیت هایی است که هر فرد می تواند انجام دهد. برنامه ریزی شامل تعیین اهداف کسب و کار، شکل گیری برنامه ها و دوره های عملیاتی برای دستیابی به اهداف، تدوین برنامه ها، زمان بندی اقدامات و تعیین وظایف برای اجرای آنهاست. برنامه ریزی مقدم بر همه تلاش ها و اقدامات است، زیرا این برنامه ها هستند که نوع تصمیمات و فعالیت های لازم را برای دستیابی به اهداف مورد نظر تعیین می کنند.

### انواع برنامه ریزی

#### ۱. از نظر زمان:

#### ۱-۱. کوتاه مدت

برنامه ریزی های کوتاه مدت، به برنامه ریزی های اطلاق می شود که هدف مشخصی را در بازه زمانی یک الی سه ماهه دنبال می کنند و به نتیجه نهایی می رسند. این برنامه ریزی ها معمولاً در زمان امتحانات پایان تحصیل و یا سرمایه گذاری های کوتاه مدت و امثال این ها مناسب هستند. برنامه ریزی کوتاه مدت باید بتواند هدف شما را در همین بازه زمانی به نتیجه مطلوب و مورد

قبول برساند؛ این برنامه‌ریزی‌ها معمولاً برای اهدافی قابل استفاده هستند که پیچیدگی فراوانی ندارند و مهارت خاصی نیز در آنها لازم نیست.

### ۱ - ۲. میان مدت

برای برنامه‌ریزی‌های میان مدت اغلب بازه زمانی تا شش ماه در نظر گرفته می‌شود؛ یعنی اگر فرد هدفی را تعیین کند و تصمیم بگیرد آن را در فاصله زمانی بیش از سه ماه و کمتر از ۶ ماه به نتیجه برساند، در واقع یک برنامه‌ریزی میان مدت انجام داده است. این برنامه‌ریزی را می‌توان برای اهدافی به کار گرفت که سختی متوسط دارند.

### ۱ - ۳. بلند مدت

برنامه‌ریزی‌های بلند مدت معمولاً دارای بازه زمانی یک سال و بیشتر هستند. اغلب در پروژه‌های پیچیده کاری و سرمایه‌گذاری‌هایی که نیازمند صبر و تحمل هستند تا به سوددهی مناسب برسند، هدف بر این پایه تعیین می‌شود. یعنی فرد از ابتدای مسیر می‌داند که باید برای رسیدن به هدفی که در ذهن دارد از یک برنامه‌ریزی بلندمدت استفاده کند. درست است که شاید مدت زمان این برنامه‌ریزی‌ها کمی طولانی باشد، اما اغلب این برنامه‌ریزی‌ها اگر به شکل درست انجام گیرند، نتایج بسیار خوب و درخشانی با خود همراه خواهند داشت. (حاجی علی، ۱۳۹۹)

## ۲. برنامه‌ریزی از لحاظ عملکرد:

برنامه‌ریزی به لحاظ عملکرد نیز شامل دو بخش فوق‌العاده مهم می‌شود:

### ۲ - ۱. فردی

برنامه‌ریزی‌های فردی به گروهی از برنامه‌ها اطلاق می‌شود که برای شخص معینی انجام گرفته و صرفاً مناسب خود فرد می‌باشد مثلاً برنامه‌ریزی روزانه برای نوجوانان. این برنامه‌ها شخصی هستند و نباید به دیگران توصیه شوند؛ چرا که برنامه‌ریزی فردی صرفاً با توجه به ویژگی‌ها و خصوصیات یک شخص خاص انجام می‌گیرد. بنابراین قطعاً نمی‌تواند گزینه مناسبی برای دیگران باشد و یا دلیل نمی‌شود که تمام افراد علاقه‌مند این باشند، که این برنامه را دنبال کنند. ضمن اینکه اهداف هر فرد با فرد دیگری متفاوت است؛ حتی استعدادهای افراد و توانایی آنها در زمینه‌های مختلف نیز با یکدیگر به طور کامل فرق دارد. بنابراین اگر برنامه‌ریزی صرفاً برای شخص شما انجام می‌گیرد و آن را به دیگران توصیه و یا تحمیل نکنید.

### ۲ - ۲. گروهی یا تیمی

برنامه‌ریزی‌های گروهی معمولاً برای سازمان‌ها و تیم‌های ورزشی یا کلاس‌های آموزشی صورت می‌گیرد؛ در این برنامه‌ریزی همه افراد حاضر در گروه همزمان با یکدیگر برای رسیدن به هدف خاصی تلاش می‌کنند؛ بنابراین همه آن‌ها باید تابع قوانین خاصی باشند و از یک برنامه مشخص و معین پیروی نمایند. در غیر این صورت هدف موردنظر قطعاً محقق نخواهد شد. به عنوان مثال افراد حاضر در یک تیم ورزشی همگی از یک برنامه تمرین خاص پیروی می‌نمایند؛ چرا که آمادگی بدنی همه آنها باید در یک سطح باشد تا بتوانند تیم را به پیروزی برسانند. در این برنامه‌ریزی‌ها باید شرایط همه افراد را در نظر گرفت و طوری برنامه‌ریزی را تنظیم و تهیه کرد که همه بتوانند به صورت منظم و مداوم به آن عمل کنند.

### ۳. برنامه ریزی از لحاظ محتوا و هدف:

محتوای یک برنامه یعنی همه کارهایی که قرار است در این برنامه انجام شود تا هدف مورد نظر محقق شود؛ زمینه ای که این فعالیت ها در بستر آن انجام می گیرد در واقع همان محتوای برنامه است که می تواند در زمینه ها و رشته های مختلف صورت بگیرد.

#### ۳-۱. برنامه ریزی درسی

برنامه ریزی تحصیلی یکی از رایج ترین انواع برنامه ریزی به لحاظ محتوا است. این برنامه ریزی اغلب در گروه فردی قرار می گیرد؛ چرا که برای هر شخص و هر دانش آموز یا دانشجو متناسب با اهداف علایق و شرایط زندگی تنظیم می شود تا او را به هدف مورد نظر خود برساند. تصور بسیاری از افراد بر این است که این گونه برنامه ریزی ها را می توانند خودشان انجام دهند و آن را دنبال نمایند؛ اما یک ذهنیت کاملاً غلط است! چرا که اگر قرار است یک برنامه تخصصی برای شما تهیه و تنظیم شود و در نهایت شما را به هدف خوبی برساند، باید یک فرد متخصص در این زمینه برنامه ریزی را برای شما انجام دهد. در این صورت نمی توانید توقع نتایج بسیار خوبی داشته باشید.

برنامه ریزی های تحصیلی اگر صرفاً برای دوره خاصی مانند زمان امتحانات باشند، کوتاه مدت هستند. اما اگر با توجه به اهداف بعدی و برای مدت زمان بیشتری تعیین شوند، در گروه اهداف بلندمدت قرار می گیرند. به عنوان مثال برنامه ریزی کردن برای موفقیت در کنکور، از انواع برنامه ریزی بلند مدت می باشد.

برنامه درسی، در حقیقت منعکس کننده آن چیزی است که معلم بدان امید می ورزد، برای آن ارزش قائل است، بدان اعتقاد دارد و بالاخره انتظار دارد که بتواند آن را برای فراگیران تحت نظر خود فراهم سازد. برنامه درسی در این سطح به درجه مهارت های حرفه ای، قابلیت ها و برداشت های معلم در خصوص تعلیم و تربیت، بستگی دارد.

ایده اصلی در درک مفهوم برنامه درسی در سطح آموزشی این است که، یک معلم در محدوده کلاس درس تصمیم گیرنده اصلی باشد. فرآیند برنامه ریزی درسی، مستلزم پیمودن مراحل نظیر سنجش نیازها، تدوین هدف ها، انتخاب و سازماندهی محتوا و نیز تجربیات یادگیری، اجرا و ارزشیابی و برنامه ای مشتمل بر پنج مؤلفه پذیرفته شده، چارچوبی از فرضیات درباره یادگیرنده و جامعه، مقاصد و اهداف، محتوا و موضوعات درسی، شیوه های اجرا و ارزشیابی است. (حاجی علی، ۱۳۹۹)

#### انواع برنامه درسی

##### ۱. برنامه درسی اجرا شده:

مجموعه اقدامات، فعالیت ها و محتوای آموزشی رسمی و غیر رسمی در حوزه تعلیم و تربیت که بر اساس برنامه درسی قصد شده و آنچه معلمان از آن برداشت کرده اند، در محیط های واقعی کلاس درس به اجرا درآمده باشد.

##### ۲. برنامه درسی آشکار:

مجموعه دروس و آن دسته از فعالیت ها، محتوای آموزشی رسمی و غیر رسمی و نتایج آموزش مدرسه ای که به طور آشکار در برنامه درسی قید شده اند.

### ۳. برنامه درسی تجویزی الزامی:

بخشی از سند برنامه درسی که در قالب کتب و مواد آموزشی، توسط نظام آموزشی، مدرسه یا معلم برای پرورش «هویت مشترک» دانش آموزان تولید شده و آنچه را که باید تدریس شود، تصریح می کند که ناظر به قابلیت ها یا شایستگی های ثابت و بالاخره آماده سازی برای حرفه به صورت عام (در قالب شایستگی های اساسی و عمدتاً شناختی و نگرشی و نه مهارتی) در این بخش است. به عبارت دیگر؛ دروسی که با سرفصل های معین در برنامه آموزشی مشخص شده و اخذ آن توسط دانش آموز یا دانشجو، از بین جدولی از دروس که چارچوب آن از طریق برنامه مشخص شده است، اجباری و فارغ التحصیل شدن آنان از یک دوره مشخص، منوط به گذراندن این دروس است و با دروس دیگر قابل تعویض نیست که باید به صورت uniform یا «تک وضعیتی» تعریف شود. دروس اجباری می تواند پیش نیاز باشد. برنامه درسی تجویزی برای پرورش هویت مشترک دانش آموزان تولید شده است

### ۴. برنامه درسی تهی:

در صورتی که برخی از مسائل و مفاهیم در محتویات برنامه های درسی مد نظر قرار نگرفته باشد و یا برنامه ها و کتابهای درسی متناسب با سن دانش آموزان نبوده و قابل فهم و درک برای آنان نباشد، برنامه درسی تهی، عقیم و یا پوچ نامیده می شود.

### ۵. برنامه درسی رسمی و صریح:

آن دسته از فعالیت ها و برنامه های درسی که نظام آموزشی، آنها را به طور رسمی و آشکار اعلام می کند و در بسیاری از موارد در قالب کتاب های درسی در مدارس و مراکز آموزش عالی تدریس می شود؛ به عبارت دیگر آنچه طراحان و برنامه ریزان درسی برای رشد و تربیت فراگیران طراحی و برنامه ریزی می کنند و نظام آموزشی آنها را اجرا می کند.

### ۶. برنامه درسی غیر تجویزی اختیاری:

برخی از حوزه ها یا فعالیت های یادگیری در برنامه درسی که کاملاً تحت تأثیر موقعیت های خاص زمانی، مکانی و انسانی برای پرورش هویت (های) اختصاصی» کاربرد دارد. از ویژگی های آن، دامنه تنوع حداکثری یا وضعیت های نامحدود است؛ این بخش شامل انواع برنامه های فوق برنامه، مکمل و اوقات فراغت می شود. به عبارت دیگر تعدادی از دروس اختصاصی یا دروس مشترک داخل یا خارج از برنامه درسی یا رشته مربوط که دانش آموز آن ها را برحسب علاقه و استعداد خود انتخاب می کند.

### ۷. برنامه درسی کسب شده:

برنامه درسی تجربه شده یا «کسب شده»، همان «برنامه درسی رسمی» تهیه شده است که در قالب کتاب های درسی تدوین و برای تدریس به مدارس ابلاغ می شود و معلم و شاگرد از طریق آن با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند و از نتایج آن بهره مند می شوند.

#### ۸. برنامه درسی مستتر:

آن دسته از متون غیر رسمی و غیر ملموس نظام ارزش ها، هنجارها، طرز برداشت ها و جنبه های غیر دانشگاهی و غیر رسمی مراکز آموزشی، متشکل از پیام های ضمنی، جو اجتماعی، فعالیت ها و نتایج آموزش های مدرسه ای که به طور آشکار در برنامه درسی قید نشده است ولی به عنوان بخشی از تجارب آموزش در مدرسه احساس می شوند که در قالب فعالیت ها آمده و به نوع رابطه مدرس و فراگیر، مقررات و قانون کلاس های درس و محتوای ضمنی کتاب ها، بستگی دارد. اساساً برنامه درسی مستتر به آموخته ها و تجربیات فراگیران و روابط آن ها با سایر فراگیران، معلمان، اولیای آن ها، محیط مدرسه و بیرون از آن اشاره دارد. برنامه درسی مستتر به آموخته ها و تجربیات فراگیران و روابط آن ها با سایر فراگیران و محیط مدرسه و... اشاره دارد

#### ۹. برنامه درسی ملی:

سندی حاوی نقشه کلان برنامه درسی و چارچوبی برای نظام برنامه ریزی درسی کشور که چگونگی تدریس و یادگیری از میان دامنه ای از موضوعات و سنجش های مرتبط، جلوه ملموس آرزوها و آمال تربیتی در سطح ملی را به منظور تحقق اهداف نظام آموزش و پرورش، تعیین و تبیین می کند. برنامه درسی ملی به گونه ای تدوین می شود که بتواند زمینه آموزش و پرورش پایه را برای همه جمعیت دانش آموزی کشور به صورت عادلانه، فراهم آورد؛ این برنامه همانند سایر اسناد هم تراز خود مبتنی بر مبانی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است.

#### ۱۰. برنامه درسی ناگفته:

برنامه درسی ناگفته یا مغفول، شامل آن دسته از ارزش ها، اطلاعات و دانش هایی است که مدارس تعمداً یا ندانسته به آموزش آنها اقدام نمی کنند؛ هر چند ممکن است ارزش و اهمیت آنها بیشتر از مواردی باشد که در مدرسه آموزش داده می شود.

#### ۱۱. برنامه درسی نیمه تجویزی [انتخابی]:

بخشی از برنامه درسی که علاوه بر کمک به پرورش «هویت مشترک» دانش آموزان، پرورش «هویت اختصاصی» آنان را نیز در کانون توجه قرار می دهد و به صورت چند وضعیتی (یعنی متناسب با وضعیت های گوناگونی که دانش آموزان از نظر شغلی و تحصیلی برای آینده خود متصورند) تعریف و طراحی می شوند تا امکان انتخاب از میان اشکال و انواع گوناگون مواد و برنامه های درسی، وجود داشته باشد.

#### ۳-۲. برنامه ریزی شغلی

برنامه ریزی کردن در حیطه شغلی شاید یکی از سخت ترین انواع برنامه ریزی باشد. چرا که به دلیل دخیل بودن سرمایه در آن اغلب ریسک بالایی دارد و باید دقت کافی را داشت. این برنامه ریزی ها معمولاً برای بلند مدت انجام می شود.

### ۳-۳. برنامه ریزی ورزشی

در تیم‌های ورزشی اگر یک برنامه‌ریزی مناسب وجود نداشته باشد، به طور یقین تیم با شکست مواجه خواهد شد. برنامه ریزی های ورزشی از نوع فردی هم می توانند باشند؛ مانند برنامه های بدنسازی که صرفاً مختص یک فرد خاص است. این برنامه ها باید توسط یک مربی خبره و آموزش دیده در این زمینه طراحی شوند؛ چرا که برنامه ورزشی به صورت مستقیم با سلامت جسم در ارتباط است، پس به هیچ عنوان نباید در آن ریسک نمایید. برنامه ریزی های ورزشی می توانند کوتاه مدت میان مدت و بلند مدت باشند و در هر مقطع زمانی خاص تغییراتی در آن ها حاصل شود. در تیم‌های ورزشی اگر یک برنامه‌ریزی مناسب وجود نداشته باشد به طور یقین تیم با شکست مواجه خواهد شد

### ۳-۴. برنامه ریزی شخصی

اهداف و برنامه ریزی های شخصی معمولاً پیچیده نیستند؛ چرا که این برنامه ریزی ها توسط خود افراد برای سر و سامان بخشیدن به فعالیت های روزانه آنها انجام می گیرد. در این برنامه ریزی ها اغلب زمان اهمیت چندانی ندارد و هدف صرفاً این است که از روزهای خود و زمان هایی که در اختیار دارید به طور هدفمند بهره بگیرید. به همین دلیل است که برای انجام این برنامه ریزی شاید خود فرد بهتر از هر فرد دیگری بتواند عمل کند.

### ۳-۵. برنامه ریزی استراتژیک

برنامه هایی که به صورت استراتژیک هستند، چارچوب و دید سازمانی را تعریف می کنند. چگونگی تبدیل افکار به واقعیت را سازمان در نظر می گیرد. برنامه ریزی برای جهت یک شرکت صورت می گیرد بنابراین توسط مدیریت ارشد سازمان انجام می شود. تعیین اهداف بلند مدت یک شرکت، برنامه عملیاتی است که باید پذیرفته شود و منابع برای دستیابی به این اهداف با هم همبستگی پیدا می کنند. مدیریت باید بر روی برنامه ریزی برای سال های آینده تمرکز کند که بتواند سازمان را از جایی که امروزه در آن قرار دارد، به هدفی که قصد دارد برساند. برنامه استراتژیک باید موثر برای حرکت به سمت جلو، انعطاف پذیر و با تطبیق دادن به رشد در آینده متمرکز باشد. این برنامه ها محوریت و کادری برای برنامه ریزی سطح پایین را فراهم می کنند.

### ۳-۶. برنامه ریزی تاکتیکی

تاکتیک هایی را که نیاز است مدیران برای رسیدن به اهداف های مشخص شده در برنامه استراتژیک، بدست بیاورند را در برنامه ریزی تاکتیکی تعیین می کنند. برنامه های تاکتیکی دارای یک دوره زمانی کوتاه (به طور معمول کمتر از ۳ سال) هستند و معمولاً توسط مدیران سطح متوسط چیده می شوند. در واقع برنامه تاکتیکی جزئیاتی مثل ابزار یا برنامه های عملیاتی را برای به اجرا رساندن برنامه استراتژیک به واسطه واحدهای درون هر بخش مشخص می کند. برنامه های تاکتیکی به جزئیات منابع و تخصص بندی کار در میان زیر واحد ها در هر بخش نیاز دارد.

### ۳-۷. برنامه ریزی عملیاتی

برنامه های عملیاتی، برنامه های کوتاه مدت (کمتر از یک سال) برای ایجاد گام های عملی خاص هستند و برای حمایت از برنامه های استراتژیک و تاکتیکی ایجاد می شود. آنها معمولاً توسط مدیر برای تکمیل کردن مسئولیت های شغلی ایجاد می



شوند. آنها توسط سرپرستان، رهبران تیم و تسهیل کننده ها برای پشتیبانی از برنامه های تاکتیکی توسعه می یابد. آنها عملیات روزمره یک سازمان را مدیریت می کنند. برنامه های عملیاتی می توانند به صورت ثابت یا در حال انجام باشند. برای پوشش مسائلی که مدیران با آنها مواجه می شوند، برای مثال سیاست ها، رویکردها، قوانین، از برنامه های ثابت پیروی می شود و برای آماده شدن برای شرایط یا مشکلات استثنایی از برنامه های در حال انجام پیروی می شود. معمولاً پس از یک استفاده از آنها، حذف یا جایگزین می شوند، برای مثال برنامه ها، پروژه ها و بودجه ها

### برنامه ریزی درسی

برنامه ریزی درسی، مهمترین نوع برنامه ریزی برای فرآیند تعلیم و تربیت و اصلی ترین مؤلفه نظام آموزش و پرورش کشور است. به برنامه آموزشی که فراگیر را به سمتی که برای رشد وی در نظر گرفته شده و متکی بر نظم ارزش ها می باشد، سوق می دهد برنامه ریزی درسی گفته می شود. این برنامه درسی وسیله ای جهت تحقق اهداف و آرمانها و انجام مقاصد تربیتی است. (محمدی و همکاران، ۱۳۹۴). برنامه درسی با نتایج یادگیری سر و کار دارد، و نه تنها با هدفهای از پیش تعیین شده، چرا که نتایج - در مقام ارزشیابی - می تواند در برگزیده مواردی به جز هدفها و نتایج قصد شده باشد و افراد مختلف ممکن است به شکلهای مختلف تحت تاثیر مجموعه تدابیر از پیش تعیین شده قرار گیرند. (نوروز زاده، ۱۳۹۱)

وقتی در باره برنامه درسی صحبت می کنیم منظور ما « فرآیند یا چرخه انتخاب دانش، نگرش و مهارت ارزشمند برای یادگیری در مدرسه » است. منظور از فرآیند، چرخه پیوسته و مداوم برنامه ریزی درسی است. یعنی با پایان مراحل شش گانه برنامه ریزی درسی: « نیازسنجی، تعیین هدف، انتخاب محتوا، سازماندهی محتوا، انتخاب الگوهای یادگیری - یاددهی و ارزشیابی »، فعالیت برنامه ریزی درسی به اتمام نمی رسد. پس از پایان آخرین مرحله فعالیت که مرحله ارزیابی است، دوباره چرخه فعالیت برنامه ریزی درسی، در یک دوره تحصیلی جدید، با اصلاح و بازنگری در نیازها، اهداف، محتوا، سازماندهی و الگوهای یاددهی - یادگیری آغاز خواهد شد. این امر بیانگر دو اصل مهم در برنامه ریزی درسی نیز هست. اصل تغییر و اصل تداوم. یعنی چون تغییرات در دانش بشری بسیار زیاد و سریع اتفاق می افتد لازم است فرآیند برنامه ریزی درسی همیشه و دائماً در جریان باشد. برنامه درسی در کشور ما واژه ای نوین بوده که بارها و توسط افراد مختلف با توجه به معانی گسترده و متفاوت آن بکار برده شده است. به برنامه آموزشی که فراگیر را به سمتی که برای رشد وی در نظر گرفته شده و متکی بر نظم ارزش ها می باشد، سوق می دهد برنامه ریزی درسی گفته می شود. این برنامه درسی وسیله ای جهت تحقق اهداف و آرمانها و انجام مقاصد تربیتی است. (انصاری، ۱۳۹۶)

### فرآیند برنامه ریزی درسی

فرآیند برنامه ریزی درسی شامل چهار مرحله است:

- ۱- تعیین هدفهای کلی و حیطهها بر اساس تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از بررسی نیازهای یادگیرنده، آرمانها، انتظارات جامعه، فرآیندهای یادگیری و معرفت موجود و مورد لزوم.
- ۲- طرح ریزی حیطههای برنامه درسی.
- ۳- پیش بینی چگونگی اجرای برنامه.
- ۴- طرح ریزی ارزشیابی از برنامه درسی.

فرآیند برنامه‌ریزی درسی به علت ارتباط داشتن با عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و غیره یک فرآیند چند بعدی است، که عبارتند از:

۱- برنامه‌ریزی درسی یک فرآیند یا شیوه‌ای میان افراد است که در خصوص مشارکت افراد مختلف در برنامه درسی، اجرای برنامه درسی، ارزیابی برنامه درسی و روش‌های مناسب تعیین می‌گردد.

۲- برنامه درسی فرآیندی سیاسی بوده و همواره کارگزاران محلی و حکومتی و ملی در تبیین خط مشی آن دخالت دارند. همچنین برنامه‌ریزی درسی با گروه‌های فشار متعدد درگیر است. این گروه‌ها ارزش‌های متضادی را برای تدریس در مدارس ارائه می‌دهند.

۳- برنامه‌ریزی درسی یک امر اجتماعی است. علایق، ارزش‌ها، ایدئولوژی‌ها، اولویت‌ها، کارکردها و مسئولیت‌های متفاوت، زمینه پویایی را تشکیل می‌دهد که فرآیند برنامه‌ریزی درسی در آن زمینه انجام می‌پذیرد. در این زمینه تمامی عوامل مؤثر در برنامه‌ریزی درسی رابطه تعاملی با یکدیگر دارند. شخصیت‌های برنامه‌ریزان درسی، ساختار نظام‌های مدرسه و الگوهای مختلف روابط گروهی اعضای مدرسه، از عوامل مهمی هستند که برنامه‌ریزی درسی را تحت تاثیر قرار می‌دهند. اصلاحات و تغییراتی که در برنامه‌های درسی صورت می‌گیرند، از چگونگی ارتباط افراد دارای قدرت و مرجعیت در تصمیم‌گیری‌ها نتیجه می‌شوند.

۴- برنامه ریزی درسی از جمله امور تیمی و جمعی محسوب شده و نیازمند همکاری همه جانبه است. در حقیقت لازمه برنامه ریزی درسی بکارگیری مهارت‌های متفاوت، علائق، و تعهدات است و لذا برنامه ریزی کاری فردی نبوده و همکاری همه افراد در این امر ضروری می‌نماید. البته مشارکت همه افراد در جنبه‌های برنامه ریزی درسی، به یک اندازه نمی‌باشد. لازمه پیچیدگی‌ها و ظرافت‌های فنی در تدوین برنامه ریزی درسی و ویژگی‌های سیاسی و اجتماعی آن، بکارگیری انواع صلاحیت‌ها در مراحل مختلف طرح ریزی برنامه درسی است. اینکه شرکت‌کنندگان در برنامه‌ریزی درسی چه کسانی هستند و چه موقع باید ایفای نقش کنند، به کارکردهای متمایز و نوع صلاحیت‌های آنان مبتنی است. بنابراین برنامه‌ریزی درسی مؤثر باید با توجه به دو اصل همکاری و تشریک مساعی انجام پذیرد.

به طور کلی می‌توان گفت برنامه‌ریزی درسی فرآیند یاددهی-یادگیری را دربر می‌گیرد، تا با این هدف بتواند تغییرات مطلوب را در رفتار فراگیر ایجاد کند. برنامه‌ریزی درسی دارای کارکردها و عملکردهای مختلفی است که تمامی آنها در ایجاد یک برنامه درسی مؤثر نقش اساسی دارند.

برخی از کارکردهای برنامه‌ریزی درسی عبارتند از:

- ۱- انتخاب زمینه برای اخذ تصمیمات (تصمیم‌گیرندگان کلان چه کسانی هستند و در مورد چه مسائلی باید تصمیم بگیرند)
- ۲- انتخاب و مشارکت دادن افراد در تصمیمات برنامه درسی (هر فردی باید در چه موردی تصمیم بگیرد).
- ۳- سازماندهی و فنون برنامه درسی.
- ۴- نوشتن واقعی برنامه درسی (تدوین عملی برنامه درسی)
- ۵- اجرای برنامه درسی.
- ۶- ارزشیابی برنامه درسی.
- ۷- تدارک بازخورد و اصلاح برنامه درسی.

## مبانی برنامه‌ریزی درسی

مبانی متفاوتی الهام بخش شکل و محتوای برنامه درسی است. مبانی برنامه‌ریزی درسی به معنای نیروهای بنیادی و اساسی است که بر اهداف و محتوای آن موثر بوده و در محتویات برنامه‌ریزی درسی با عنوان عاملان تعیین کننده نام برده می‌شود. این مبانی به شرح زیر دسته بندی می‌گردد: (بارمحمدیان، ۱۳۸۱)

### ۱. مبانی اجتماعی و فرهنگی برنامه‌ریزی درسی

مبانی اجتماعی و فرهنگی برنامه‌ریزی درسی مشتمل بر مطالعات پیرامون روابط بین افراد و گروه‌ها، نهادها و سازمان‌های موجود در جامعه و بررسی تجزیه و تحلیل آنها است. با توجه به اینکه انتقال، توسعه و بهسازی میراث فرهنگی به عنوان فلسفه اصلی وجود آمدن نظام آموزش مدرسه ای شناخته می‌شود؛ بنابراین، بی شک ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی یک جامعه موثر بر برنامه‌های درسی و فرآیند تدوین آنها می‌باشد. ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی به عنوان پالایش کننده اهداف برنامه درسی، نقش موثری در فرآیند برنامه‌ریزی درسی داشته و از این رو مبانی اجتماعی و فرهنگی برنامه‌ریزی درسی از جمله قلمروهای این رشته به شمار می‌آید. مدارس توسط برنامه درسی خود علاوه بر نقش موثری که بر حفظ، انتقال و ارزشیابی میراث فرهنگی جامعه داشته، با انجام برنامه‌ریزی درسی و انتخاب و تحقق اهداف مناسب، افراد جامعه را در جهت انجام وظائف و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی خود کمک نموده و از این طریق ضامن رشد فردی و پیشرفت فرهنگی جامعه می‌شود.

### ۲. مبانی فلسفی برنامه‌ریزی درسی

مبانی فلسفی برنامه‌ریزی درسی مشتمل بر عوامل و نیروهای فلسفی می‌باشد که بر فرآیند تبیین اهداف برنامه درسی و تعیین وسایل و ملزومات آن موثر است. این فلسفه اجتماعی در واقع جهت دهنده و تعیین کننده مقاصد اصلی تعلیم و تربیت می‌باشد. اعتقاد طراح برنامه‌ریزی درسی به یکی از مکاتب فلسفی و فلسفه تعلیم و تربیت بر جهت گیری برنامه درسی شدیداً موثر است. از طرف دیگر مبانی فلسفی و باورها و پنداشت‌های فلسفی یک جامعه وظیفه پالایش اهداف برنامه درسی را که طراحان برنامه‌ریزی آموزشی استخراج کرده اند، بر عهده داشته و آن گروه از اهدافی که مطابق با فلسفه بوده، مجاز دانسته و در انتخاب خط مشی‌ها، طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی کمک می‌کند.

### ۳. مبانی روانشناختی برنامه‌ریزی درسی

مبانی روانشناسانه برنامه‌ریزی درسی مشتمل بر آن گروه از آگاهی‌ها و درک کسب شده از روانشناسی است که به ماهیت فراگیر و فرآیند یادگیری مربوط است. این ادراکات نقش موثری در محتوا و سازماندهی فعالیت‌ها و تجربیات یادگیری برای فراگیران دارد. از این رو برنامه درسی ارتباط نزدیکی با اصول روانشناسی تربیتی دارد. تعلیم و تربیت افراد و ارتقا سطح علم و آگاهی و مهارت‌های آنها، بدون وجود شناخت کاملی از مراحل رشد جسمی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی در سنین مختلف و چگونگی ایجاد و تقویت انگیزه برای یادگیری امکانپذیر نخواهد بود. از این رو یک برنامه درسی و مسئول اجرای این برنامه می‌بایست اطلاع دقیقی از اکثر قوانین و اصول علم روانشناسی روانشناسی تربیتی داشته باشد.

### مدل های برنامه ریزی درسی

برنامه ریزی درسی شامل مراحل است که بوجود آورنده برنامه درسی است. این برنامه ریزی با سنجش نیازها، انتخاب، سازماندهی و ارائه محتوا ادامه یافته و با تعیین روش های ارزشیابی خاتمه می یابد. مدل های برنامه ریزی درسی را می توان در دو گروه علمی - تکنیکی و غیر تکنیکی طبقه بندی کرد.

گروه اول افرادی هستند که رویکرد علمی - تکنیکی به برنامه ریزی درسی دارند و معتقدند می توان هدفهای تعلیم و تربیت را تعیین و به دقت بیان نمود و سپس به شیوه خطی آنها را تحقق بخشید.

در مقابل، گروه دوم رویکرد غیر تکنیکی قرار دارند یعنی افرادی که به ذهنیت، شخصی بودن، ذوقی بودن و اکتشافی بودن تأکید می کنند و علایق و گرایشات فراگیر را تنها محور جهت دهنده به فعالیتهای یادگیری، انتخاب و سازماندهی محتوا در نظر می گیرند. (باراحمدی، ۱۳۹۶)

### ۱. مدل های علمی - تکنیکی

#### ۱ - ۱. مدل بابت

بابت استاد تعلیم و تربیت دانشگاه شیکاگو در ابتدای قرن بیستم تلاش کرد تا برنامه درسی مطابق با زمان و روش های جدید و نوین را به جای برنامه درسی موجود بکارگیرد. وی اعتقاد داشت امکان دستیابی به تجربیات زندگی از طریق علم میسر است. مطابق با دیدگاه بابت، می بایست از در نظر گرفتن اهداف سطح بالایی چون ساختن منش فرد، فرهنگ و خودشناسی پرهیز شده و تنها اهداف ویژه هستند که در تدوین برنامه درسی، اصول و شیوه های تدریس و آگاه سازی والدین و معلمان مفید و موثر می باشند. از منظر بابت در تدوین و تبیین اهداف باید از زبان روزمره که قابل فهم است استفاده شود و نوشتن اهداف کلی دوری گردد. به عنوان مثال هدف توانایی مراقبت از سلامت خود یک هدف خیلی کلی است که می بایست به هدفهای ویژه تجزیه شود، مانند: توانایی برای مراقبت خود در مقابل جانوران کوچک میکروسکوپی.

بابت اولین کسی است که بر اهمیت مطالعه فرآیند برنامه ریزی درسی تأکید کرد. از دیدگاه وی تهیه برنامه درسی به تنهایی کافی نبوده، بلکه نحوه اجرای برنامه درسی نیز اهمیت قابل توجهی دارد. (ایران نژاد پاریزی، ۱۳۸۵)

#### ۱ - ۲. مدل تایلر

تایلر معتقد بود که برنامه ریزان درسی باید مراحل زیر را انجام دهند:

- تهیه و تنظیم هدفهای آموزشی مدرسه
- تهیه و تنظیم تجربه های آموزشی مربوط به هدفها
- سازماندهی تجربه ها
- ارزشیابی هدفها

از منظر تایلر گردآوری اطلاعات برنامه ریزی می بایست از ۳ منبع مواد درسی، فراگیران و جامعه انجام پذیرد و تجربیات یادگیری به گونه ای باشد که نقش موثری بر فراگیر داشته باشد. تایلر معتقد است نظریات، مفاهیم، ارزشها و مهارت ها باید همچون دانه های تسبیح در تهیه برنامه درسی در کنار هم قرار گیرند و همچنین امر ارزشیابی از اهمیت بالایی در برنامه ریزی درسی برخوردار است زیرا به واسطه ارزشیابی است که میزان تاثیر برنامه مشخص می شود.

### ۱-۳. مدل هاکنز

نمونه دیگری از مدل های علمی - تکنیکی است که هفت مرحله دارد: (یاراحمدی، ۱۳۹۶)

- **مفهومی ساختن برنامه درسی و مشروعیت بخشی** یعنی در پرتو نیازها، برنامه های درسی پیشنهاد شده مشروعیت پیدا کند
- **تشخیص** : مستلزم دو وظیفه است :  
الف) تبدیل نیازها به قضایا  
ب) استنتاج هدفهای کلی و جزئی از این نیازها
- **انتخاب محتوا** : به چیستی برنامه درسی مربوط می شود محتوا در برگزیده حقایق، مفاهیم، اصول نظریه ها و تعمیم ها می باشد
- **انتخاب تجربه های یادگیری** : در این مرحله معلم در مورد مواد آموزشی از قبیل کتابهای درسی، برنامه های نرم افزار، فیلمها، کتابهای مرجع و غیره تصمیم گیری می کند.
- **اجرا** : برنامه درسی بعد از انتخاب و سازماندهی تجربه ها برای اجرا آماده میشود
- **ارزشیابی** : این مرحله سر تا سر حیات برنامه درسی ادامه پیدا می کند و داده ها از نو مرتب میشوند
- **نگهداری برنامه** : آخرین مرحله از مدل هاکنز می باشد

### ۱-۴. مدل تابا

- مدل تابا مشابه مدل تایلر است. هیلدا تابا معتقد بود معلمان باید در برنامه درسی مشارکت داشته و با استفاده از یک روش استقرایی از امور جزئی به کلی برسند. او در این مدل هفت مرحله اصلی را در برنامه درسی مشخص کرد : (جمالی، ۱۴۰۰)
- **تشخیص نیاز** : با تعیین نیاز شاگردان، معلمان جریان درسی شروع می کند
  - **تعیین هدف** : پس از تعیین نیازها معلم هدفهای قابل تحقق را معین می سازد
  - **انتخاب محتوا** : با توجه به هدفهای تعیین شده محتوای مناسب انتخاب میشود محتوا نه تنها با هدفها باید سازگار باشد بلکه اعتبار و اهمیت لازم را نیز باید دارا باشد
  - **سازماندهی محتوا** : معلم نباید به انتخاب محتوا اکتفا کند بلکه لازم است با توجه به رشد فراگیران پیشرفت و علائق آنها محتوا را سازمان دهد

- انتخاب تجربه های یادگیری :محتوا به شاگردان ارائه میشود و آنان محتوا را مرتب وساطمان میدهنداز این نظر روشهای تدریس معلم مستلزم درگیری شاگرد با محتوا است
- سازماندهی فعالیتهای یادگیری :همانطور که محتوا توالی وسازمان پیدا میکنند یادگیری نیز لازم است سازمان یابد.توالی فعالیتهای یادگیری بر اساس محتوا انجام میگردد امام معلم باید شاگردان ویژه رانیز در نظر داشته باشد
- ارزشیابی :برنامه ریز درسی باید تعیین کند که چه هدفهایی تحقق پیدا کرده اند.برای این کار ارزشیابی صورت میگردد شیوه های ارزشیابی باید از سوی شاگردان ومعلمان تدوین یابد.

## ۱- ۵. مدل سیلور و الکساندر

- این دو دانشمند یک رویکرد سیستماتیک چهار مرحله ای را در برنامه ریزی درسی ارائه کردند :
- هدفهای کلی، هدفهای جزئی و حیطه ها : برنامه ریزان درسی با تحلیل هدفهای کلی وجزئی برنامه ریزی را شروع کنند.که چهار چیز باید مد نظرشان باشد : الف : رشد شخصی ب: روابط انسانی ج :مهارتهای یادگیری د: تخصصی کردن
  - طراحی برنامه درسی :در این تصمیم گیریها دیدگاههای فلسفی تاثیر دارند که آیا برنامه درسی به رشته های علمی تاکید میکند ؟ یا به یادگیرنده و یا نیازهای جامعه ؟
  - اجرای برنامه درسی :یعنی روشها و موادی که برای کمک به یادگیری دانش آموزان مورد استفاده قرار میگردد
  - ارزشیابی برنامه درسی :ارزشیابی باید روی طرح برنامه درسی، کیفیت آموزش و رفتارهای یادگیرنده تمرکز یابد.

## ۲. مدلهای غیر تکنیکی

### ۲- ۱. مدل چارترز

چارترز با استفاده و سازماندهی نظریات « هربرت اسپنسر»، « فرانکلین بابیت» و « جان دیویی» در سال ۱۹۲۴ کتاب « بازسازی برنامه درسی» را نوشت. او در این کتاب « نظریه کارکردی» را برای طراحی سیستماتیک برنامه درسی مطرح ساخت و برای موضوعات آموزشی و حرفه ای، ریزمواد تفصیلی ارائه نمود.

### ۲- ۲. مدل وین اشتین و فانتی نی

مطابق با نظر این دو محقق تاکید تعلیم و تربیت بایستی بر امور انسانی بوده و اهداف آموزشی نشانگر علایق فردی و بین فردی فراگیران باشد. این مدل شامل ۷ مرحله است که عبارتند از : (جمالی، ۱۴۰۰)

- شناخت فراگیر :در این مرحله برنامه ریزان درسی به داده های جمعیت شناسی و فرهنگی دانش آموزان و همچنین به سطوح رشد و ویژگیهای روان شناختی آنان توجه می کنند.

- **تعیین علایق:** در این مرحله برنامه ریزان باید با توجه به ویژگی های روانی و شرایط فرهنگی، اجتماعی موجود علایق را کشف کرده و مبنای تعلیم و تربیت قرار دهند.
- **ایده های سازمان دهنده:** که براساس علایق فراگیر انتخاب میشوند
- **انتخاب زمینه هایی که محتوا بر اساس آنها شکل میگیرد** برای مثال عواطف و علایق فرد درباره دوستان ورزشها و کلوپها می توانند تعیین کننده محتوا باشند
- **مهارتهای یادگیری:** برای مثال مهارتهای اساسی خواندن، نوشتن، مهارتهای آگاهی اجتماعی یعنی مهارتهای اجتماعی به اندازه مهارتهای شناختی اهمیت دارند
- **روشهای تدریس:** که بیشتر بر روی ابعاد عاطفی تاکید دارد.

#### مدل برنامه ریزی درسی چند بعدی :

علاوه بر مدل های بیان شده، این مدل برنامه ریزی کل نگر است که کلیت مورد نظر در پرورش شخصیت کودک را حداقل در سه قلمرو مورد توجه قرار میدهد: (حسنوند و همکاران، ۱۳۹۴)

#### الف) قلمرو فعالیتها :

این قلمرو شامل کنش و تعامل کودک با محیط خویش است که در برگیرنده فعالیت های جذاب و کودکانه است. در الگوی برنامه ریزی چندبعدی، این قلمرو بعد فعالیت ها نام دارد و مشتمل بر فعالیت هایی از جمله قصه گوئی و قصه خوانی، شعر و سرودخوانی، نمایش، تئاتر، فیلم، ارائه کار گروهی و جشنها، بازی، ترانه، سرود، موسیقی، نقاشی و کاردستی، جست و جو، گفتگو، گردش علمی می باشد.

#### ب) قلمرو پروژه های برگرفته از زندگی کودک :

این قلمرو حاوی علاقه مندی های کودک و چگونگی ارتباط او با محیط طبیعی و اجتماعی است و در الگوی برنامه ریزی چندبعدی، بعد پروژه ها نام دارد و شامل پروژه های خانه و کودکستان، غذا، زمین ما و آنچه در آن است، آب و هوا، ایران و جهان، آسمان، ارتباط و رسانه ها، حمل و نقل و حرکت است.

#### ج) قلمرو مهارتها و مضامین میان رشته ای :

این قلمرو شامل مهارتها و نگرشهایی است که بر کل شخصیت کودک تاثیر میگذارند و شامل مشاهده، طبقه بندی، اندازه گیری، برقراری ارتباط، استنتاج، پیش بینی، جمع آوری، ثبت و تفسیر یافته ها، فرضیه سازی، الگوسازی و کاربرد آن، آزمایش، تجزیه و تحلیل، ترکیب، ارزشیابی، کاربرد، خلق اندیشه، بیان اندیشه، حل مسئله، زیبایی شناسی، شهروندی، استقلال فردی، تخیل، شادی و مهربانی، کوشایی می باشد.

مدل برنامه ریزی چندبعدی ایجاد کننده رابطه ای چندجانبه بین هنر، علم و فناوری با زندگی روزمره است و امکان دستیابی دانش آموزان به بنیان های دانشی و نگرشی مشترک در حوزه های علم و هنر را با قرار دادن آنها در رابطه میان هنر، علم و فناوری در قالب فعالیت علمی فراهم می آورد. برنامه ریزی چندبعدی مدلی موثر در آموزش مهارت های مختلف مانند مهارت های زبانی و ارتباطی تفکری است. (بازرگان، ۱۳۸۷) توجه برنامه ریزی چندبعدی به بنیان های هنری، علمی و فناورانه در جهت تحقق ایجاد محیطی غنی برای بکارگیری مولفه های زندگی برای پرورش و حضور فعالانه دانش آموز می باشد. دانش آموزان می بایست مهارت های پژوهشگری را فراگرفته تا در عصر آگاهی و دانایی بتوانند خود را حفظ نمایند. (هاشمی، ۱۳۸۵)

### بحث و نتیجه گیری

یکی از عناصر مهم در شتاب بخشیدن به نوآوری های علمی و فناورانه بشر، خلاقیت است. در واقع خلاقیت به مفهوم به-کارگیری توانایی های ذهنی برای ایجاد یا تبلور یک فکر یا مفهوم جدید که برخی نیز آن را به ترکیب ایده ها یا ایجاد پیوستگی بین ایده ها تعبیر نموده اند. یکی از عوامل مهم و تاثیرگذار بر رشد و شکوفایی خلاقیت افراد، یادگیری مهارت های مختلف است که این مهم از طریق برنامه ریزی صحیح درسی در دانش آموزان حاصل می شود. برنامه ریزی درسی شامل یک سلسله فعالیت های یاددهی-یادگیری به منظور ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار یادگیرنده و ارزشیابی میزان تحقق این تغییرات است. بنابراین فرآیند برنامه ریزی درسی شامل سازماندهی فعالیت ها و ارزشیابی است و هدف آن ایجاد تغییرات مطلوب و محور آن یادگیرنده است.

اگر برای دانش آموزان از روش آموزش مبتنی بر برنامه ریزی درسی چند بعدی استفاده شود می توان به صورت محسوسی انواع مهارت های ضروری در زندگی آنان را ارتقا داد

### منابع

- انصاری ؛ (۱۳۹۶)، تعاریف برنامه درسی، تاریخچه و عناصر آن ، <http://www.mazaherih.ir/?p=520>
- ایران نژادپاریزی، مهدی، (۱۳۸۵)، روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، انتشارات فرا انگیزش
- (بی نا )، خلاقیت و راهکارهای پرورش خلاقیت در دانش آموزان، <http://www.daneshjou005.blogfa.com/post/51>، ۱۳۹۰
- بازرگان، سیمین. (۱۳۸۷)؛ ماتریس زندگی برنامه ریزی چند بعدی، تهران: انتشارات مدرسه
- جمالی کندازی، یاسین ؛ (۱۴۰۰)، مدل های برنامه ریزی درسی برای تدریس، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی، ۷ (۴)، ۱۷۷ - ۱۶۹
- حاجی علی، حدیثه ؛ (۱۳۹۹)، انواع برنامه ریزی، <https://mostafae.com/types-of-planning>
- حسنوند، باقر، صفری، سجاد، فیاض، ایراندخت، بازرگان، سیمین. (۱۳۹۴). تأثیر آموزش و پرورش پیش دبستانی بر مبنای برنامه ریزی چند بعدی بر رشد مهارت های اجتماعی کودکان پیش دبستانی. فصلنامه روان شناسی تربیتی، ۱۱ (۳۷)، ۱۱۹-۱۳۸.
- شریفی، محسن ؛ رشیدی، علیرضا ؛ غیائی ندوشن، سعید ؛ (۱۳۹۵)، بررسی تاثیر بازی های رایانه ای بر تفکر خلاق و حمایت اجتماعی ادراک شده خانواده در بین دانش آموزان مقطع متوسطه شهر اصفهان، <http://tknozar.blogfa.com/post/1044>



۹. محمدی، یحیی؛ کیخا، علیرضا؛ علیپور مقدم، خدیجه؛ (۱۳۹۵)، طراحی برنامه درسی متعادل با رویکرد برنامه ریزی درسی فطری و معنوی، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیست و چهارم، دوره جدید، شماره ۲۳
۱۰. نوروز زاده، رضا؛ (۱۳۹۱)؛ وضعیت سهم مشارکت دانشگاه ها در بازنگری برنامه درسی رشته علوم تربیتی، فصلنامه راهبرد فرهنگ، شماره ۱۹، ۱۶۸ - ۱۳۹
۱۱. هاشمی، م. (۱۳۸۵) بررسی جایگاه تفکر انتقادی در محتوای کتاب های درسی پایه پنجم ابتدایی. دانشگاه شیراز: پایان نامه کارشناسی ارشد.
۱۲. یارمحمدیان، محمدحسین (۱۳۸۱): اصول برنامه ریزی درسی، چاپ سوم، یادواره کتاب: تهران
۱۳. یاراحمدی خراسانی، مهدی؛ (۱۳۹۶)، مدل های برنامه ریزی درسی، سازماندهی و ارائه محتوا  
<http://athir.blogfa.com/post/6413>

## Examining education based on multidimensional planning and conventional education on students' creativity

Farideh Rahmani <sup>1</sup>, Zahra Salameh zاده zavareh <sup>2</sup>, Gita Arami kheirabadi <sup>3</sup>, Esmat Salehi rizi

<sup>1</sup> *Master of History and Philosophy of Education, Azad University of Takestan*

<sup>2</sup> *Bachelor of Persian Language and Literature, Payam Noor University of Aran and Bidgol*

<sup>3</sup> *Master of Curriculum Planning, Payam Noor Taft University*

<sup>4</sup> *Master of Educational Sciences, Curriculum Planning, Payam Noor University*

---

### Abstract :

The mental process of discovering ideas and concepts, or combining existing ideas and concepts, is called creativity, which is stimulated by the process of conscious or unconscious insight. One of the factors that are effective in the development of students' creativity is learning a variety of skills. Multidimensional planning is a holistic planning that pays attention to all aspects of students' existence. The current research was conducted with the aim of investigating education based on multidimensional planning and conventional education on students' creativity and using a descriptive-analytical method. The findings of the research indicate the positive effect of education based on multidimensional planning on the growth of students' creativity compared to other common methods.

**Key words:** Multidimensional planning, creativity, education, students

---